

روزگار سخت کار آفرینی



جمعی کارآفرینان است که دو بخش دارد: ادغام‌های گسترده و ایجاد هماهنگی بین کارآفرینان و

اصلاح مسیر سیاست‌گذاری با کمک نهادهای جمعی مانند اتاق بازرگانی و موارد مشابه. ما امروز به کارآفرینان خلاقی نیاز داریم که نه تنها در کسب‌وکار خود خلاقیت به خرج دهند، بلکه برای اصلاح امور جامعه خلاق باشند و کمی هم به فکر منافع ملی باشند. این تغییر مسیر کار خیلی سختی است، چراکه جامعه ما اصولاً فردمحور است و کمتر افراد به‌خصوص بزرگان می‌توانند با هم مشارکت کنند. همچنین یک کارآفرین به جای اینکه خود را نجات دهد، باید برود برای نجات جامعه اقدام کند و احتمال این را بدهد که کلاً ورشکسته شود که با روحیه کارآفرینان کمی متفاوت است. اما فکر می‌کنم چاره‌ای نمانده است. اگر قرار باشد که ما کمتر از ثروت بین نسلی را مصرف کنیم یا به هر دلیلی نتوانیم ثروت بین‌نسلی را به جامعه جهانی بفروشیم و زندگی روزمره را بگذرانیم، لازم است که حتماً اقدامی در سطح ملی برای اصلاح مسیر اقتصاد و تولید انجام دهیم.

● راهکارهای فوری کمک به این بخش مهم از اقتصاد چیست؟

درحال‌حاضر هیچ راهکاری جز همکاری جمعی و انجام اصلاحات اساسی در سیاست‌گذاری اقتصادی نمانده است. ما حتی اگر با آمریکا هم کنار بیاییم، اما نخواهیم مسیر سیاست‌گذاری اقتصادی را درست کنیم، به معنی این است که قرار است تراج ثروت بین نسلی بیش‌ازپیش ادامه یابد. لذا این اصلاحات ضروری به نظر می‌رسد و باید به‌طورجدی بساط رانت‌خواری و فسادهای ناشی از آن را با ایجاد شفافیت‌های گسترده و بدون اغماض جمع کنیم. البته از آن طرف دولت برای دوران گذار باید برنامه‌های حمایتی از قشر آسیب‌پذیر را داشته باشد. اما تجربه‌های خوب جهانی نشان داده است که اگر حاکمیت درست عمل کند و قوی و شجاعانه پیش برود، کارآفرینان توان چشم را دارند و همراهان آنها، مدیران، مهندسان، کارمندان و کارگران، توان تحمل دوران گذار را دارند و می‌توانند در مدت کوتاهی، حتی کمتر از یک سال اوضاع را ازاین‌رو به آن رو کنند اوضاع کل مردم خوب شود. مشکل اصلی آن اصلاحات ضدفساد در بخش حاکمیت (قانون‌گذاری، اجرا و قضاوت) است. بقیه ماجرا کلاً فنی است و قابل مدیریت کردن. البته یادآوری می‌کنم که ملت ایران ملت هوشمندی هستند و نشان داده‌اند باگر مسیر درست باشند، تحمل آنها هم زیاد است و همراه حاکمیت هستند. پس این بهانه که مردم با این حرکت ضدفساد حذف رانت‌ها مخالفند، فقط بهانه‌ای است در دست ذینفعان وضعیت نابسامان رانت‌خواری فعلی. با حذف رانت‌ها همه تکلیف خود را می‌دانند و فوری به خط می‌شوند.

اقتشار آسیب‌پذیر هم به‌راحتی با درآمد حاصل از حذف رانت‌ها و مالیاتی که از ثروت آفرینی در مدت کوتاهی (حدود شش ماه تا یک سال) به دست می‌آید، قابل حمایت هستند و می‌توان تاب‌آوری آنها را بالا برد. امروز ما با مردمی بسیار فهیم و عمدتاً تحصیلکرده روبه‌رو هستیم که عقل شعورشان خیلی بیشتر از دهه‌های گذشته است که ما چالش‌های خیلی بزرگی همچون جنگ را با آنها موفقیت‌آمیز به سر کردیم. لذا همگی آمادگی تغییرات مثبت را دارند. مهم این است که مسئولان و سیاست‌گذاران درست عمل کنند و کار را درست انجام دهند.

و کسب‌وکارهای داخلی هستند، اما در اینجا حاکمیت آنها را رها کرده و بدون توجه به واقعیت‌ها دولتی‌ها و مجلسی‌ها دائماً مانع تراشی می‌کنند.

● به نظر شما آنها چگونه می‌توانند با نوسانات شدید ناشی از اصلاحات ساختاری، زنجیره تأمین را حفظ کنند؟

تا آنجا که من رفتار کارآفرینان کوچک و بزرگ را رصد کرده‌ام، واقعیت این است که به انتهای خط رسیده‌ایم و برای بقاء دو راه بیشتر وجود ندارد: یا باید به جمع رانت‌خواران بزرگ بپیوندند و خود را از این پیچ تاریخی که معلوم نیست تا چه زمانی ادامه دارد، عبور دهند؛ یا دست‌به‌دست هم بدهند و با اقداماتی جمعی در سطح ملی مسیر کلی را با کمک دولت اصلاح کنند.

در مورد روش اول، واقعا نمی‌دانم که اصولاً راحل است یا خیر. به‌رحال رانت‌خواری یعنی از ثروت ملی برداشتن. حال کی قرار است در ازای این برداشت به ملت هم خدمت معادل آن را بدهند، معلوم نیست. لذا راه اول اصولاً صحیح نیست و به ضرر مردم است و بر خلاف مفهوم اصلی عبارت لاتین Entrepreneur (کارآفرین) است. کارآفرین کسی است که برای جامعه خود کارهای مفید انجام می‌دهد و همزمان شغل ایجاد می‌کند. کارآفرین واقعی با خلاقیت از تهدیدها فرصت می‌سازد و نیروها را در جهت تحقق رویاهای مفید و ارزش‌آفرین برای جامعه بسیج می‌کند و برای جامعه محصولات یا خدماتی تولید می‌کند که مصرف‌کنندگان حاضرند پول بیشتری نسبت به هزینه تمام‌شده آن بپردازند و از این طریق سود کسب می‌کنند. البته رانت را دولت‌ها ایجاد می‌کنند و در تعریف کارآفرینی حق کارآفرین است که از رانت‌ها استفاده کند. اما دولت‌ها به‌گونه‌ای ریل‌گذاری می‌کنند که به ازای مصرف رانت، خدمت بزرگ‌تری به جامعه برسد. مثلاً در همین چین، هم‌اکنون رانت‌های عجیبی به خودروسازان می‌دهند که حتی دولت‌های اروپا و آمریکا در مورد آن شکایت هم کرده‌اند. اما چرا دولت چین به آن ادامه می‌دهد؟ چون از طریق آن منافع به مردم چین می‌رسد که خیلی بیشتر از رانت مربوطه است. اما اینکه ما در ایران نفت بفروشیم و آن را بدهیم و کالایی کمتر از ارزش جهانی آن تولید کنیم و دائماً به فروش نفت معادتر شویم، مسیر خوبی نیست و جامعه را به سمت نابودی می‌برد. کما اینکه هم‌اکنون می‌توانید به‌راحتی وضعیت فعلی ما را با ده سال پیش یا بیست سال پیش از نظر معیشت مردم و البته اختلاف طبقاتی مقایسه کنید. این‌ها نتیجه ریل‌گذاری غلط سیاست‌گذاران ما در طی این سال‌ها که برای نحوه مصرف انواع رانت (نفت، گاز، مواد معدنی، آب و خاک) ما بوده است که ما را به این روز انداخته است و امروز حتی در مورد آب و خاک هم با مشکل روبه‌رو شده‌ایم.

پس به عبارتی کارآفرین حق دارد از رانت استفاده کند. این دولت است که باید مسیر رانت‌ها را اصلاح کند. اما راحل دوم راحل درست‌تری است. واقعیت این است که ظاهراً رانت‌های موجود در کشور جوابگوی ادامه مسیر و حجم رانت‌خواری موردنیاز نیست. به همین دلیل است که مثلاً دولت مجبور می‌شود که نرخ بنزین و دارو را گران کند. هرچند نیروهای پوپولیست روی احساسات مردم سوار می‌شوند و نمی‌گذارند رانت بنزین و موارد مشابه حذف شود و اصلاحات اقتصادی درست انجام شود. بنابراین دولت ناچار می‌شود که فشار بیشتری به بخش تولید بیاورد.

لذا همین وضعیتی که مشاهده می‌کنید به‌وجود می‌آید که تولید در حال خفه شدن است و نرخ محصولات و خدماتش روزبه‌روز گران‌تر و حتی بی‌کیفیت‌تر می‌شود. چه باید کرد؟ در این موقعیت راحل درست همان همکاری

● کارآفرینان در شرایط سخت اقتصادی و اصلاحات ساختاری، نقش محوری در حفظ تولید، ایجاد اشتغال جایگزین و تاب‌آوری صنایع ایفا می‌کنند، اما با چالش‌هایی مانند تورم، نوسانات ارزی و محدودیت‌های مالی روبه‌رو هستند. بر این اساس بفرمایید چه ازبایی از وضعیت کارآفرینان صنعتی در شرایط سخت کنونی دارید؟

شخصاً از سال ۱۳۶۶ با ورود به دانشگاه با مقوله کارآفرینی و مدیریت آشنا شدم و این شانس را داشتم که در جمع بزرگان حاضر شوم و از نزدیک برخی از بزرگ‌ترین کارآفرینان تاریخ معاصر را از نزدیک بینم و بعضاً از آن زمان روش زندگی و تفکر آنها را دنبال کنم. در زمان جوانی ما می‌گفتند برای اینکه موفق شوید، باید از رفتار افراد موفق در آن زمینه تبعیت کنید. لذا من خیلی مطالعه و مشاهده در این زمینه داشتم. البته خودم هم‌زمانی می‌خوانستم کارآفرین بزرگی شوم و شرکت تحقیقاتی کوچکی با دوستانم راه انداختم، ولی کاملاً شکست خوردم. اما در زمینه مطالعات و کمک به کارآفرینان طی تقریباً ۳۰ سال گذشته روزی نبوده که متوقف شوم. با این توضیحات باید بگویم که هیچ‌گاه در طی این تقریباً چهل سال، اوضاع کارآفرینان به بدی امروز نبوده است. البته زمان جنگ تحمیلی بدیهی بود که اوضاع جنگی و خراب است. اما یک مزیت نسبت به الان داشت: مسئولان یکدل دنبال کمک به کارآفرینان و رشد و توسعه کشور بودند. کارآفرینان هم عمدتاً دنبال ارتقاء کشور و اوضاع مردم بودند. اما الان حتی در آن زمینه هم اوضاع خیلی خراب است. سال‌های اخیر بیشتر ازآنچه از تحریم‌های خارجی ضربه خوردیم، از موانعی که مسئولان و سیاست‌گذاران داخلی دائماً ایجاد می‌کنند، متضرر شده‌ایم.

● شما چند سال است این حرف را تکرار می‌کنید. اما این سوال پیش می‌آید چطور هنوز برخی صنعتگران همچنان سر پا هستند؟

واقعیت این است که دقیق نمی‌دانم. در این کشور انواع رانت وجود دارد که نمی‌دانم چه کسی چه مقداری از آن استفاده می‌کند. مثلاً تولید بیت‌کوین با برق صنعتی یکی از راحل‌های خیلی ساده است که کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ به‌خصوص برای صنایع خیلی بزرگ. یا مثلاً دسترسی به منابع ارزی بلوکه‌شده رانتی در خارج از کشور یا حضور در زنجیره دور زدن تحریم‌ها، همگی راحل‌هایی است که برخی به آنها دسترسی دارند. همین دور زدن تحریم‌ها حداقل ۲۰ درصد رانت ایجاد می‌کند. نمونه‌اش را در شخص آقای بابک زنجانی می‌بینیم. ایشون ظاهراً ۲.۵ میلیارد دلار بدهی به دولت داشته؛ ولی الان سرمایه‌اش ظاهراً چندین میلیارد دلار است و امروز به‌عنوان یک کارآفرین بزرگ نامش سر زبان‌هاست و در عمل دست به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها درزمینه ریلی، هوایی و حتی خودرو زده است. اگر جلوی او را نمی‌گرفتند همان اول سال به قول خودش با ۲ میلیارد دلار ناقابل کل سایپا را خریداری کرده بود و آن را متحول می‌کرد. بدین ترتیب ماجرا در ایران پیچیده است و موضوع کارآفرینی تولیدمحور با رانت‌خواری و دلالتی به یک کلاف سردرگم تبدیل شده است. به همین دلیل واقعا امروز نمی‌توانیم درباره کارآفرینی به‌راحتی و شفافیتی که مثلاً سی سال پیش صحبت می‌کردیم، اظهارنظر کنیم. اما قطعاً می‌توانیم بگوییم هرکسی بخواهد از مسیر سراسر و شفاف جلو برود، امروز با چالش‌های بزرگی از جمله رقابت با رانت‌خواران بزرگ و دلالت و همزمان هجوم چینی‌ها روبه‌رو است؛ چینی‌هایی که کل دنیا را به ستوه آورده‌اند. اما فرق ما با دیگر جاهای دنیا این است که در آن کشورهای پیشرفته، دولت‌ها دنبال حمایت از صنعت



کارآفرینی در بستر نااطمینانی

سیدشجاع‌الدین امامی‌نوف
دبیر انجمن صنایع نساجی
ایران

اصلاحات اقتصادی در ایران، سال‌هاست به‌عنوان یک مطالبه جدی از سوی فعالان تولیدی و کارآفرینان مطرح می‌شود؛ مطالبه‌ای که بیش از هر چیز، ریشه در تجربه زیسته بنگاه‌هایی دارد که زیر فشار سیاست‌های چندگانه ارزی، مقررات پیچیده و تصمیم‌گیری‌های ناپایدار، تلاش کرده‌اند در میدان رقابت باقی بمانند. اکنون که نشانه‌هایی از حرکت به سمت واقعی‌سازی متغیرهای کلیدی اقتصاد، به‌ویژه نرخ ارز، دیده می‌شود، این پرسش بیش از گذشته اهمیت یافته است که کارآفرینی در این شرایط چه نقشی ایفا می‌کند و چگونه می‌تواند از یک وضعیت پرچالش، فرصت بسازد. واقعیت آن است که کارآفرینی در اقتصاد ایران همواره در بستری از نااطمینانی شکل گرفته است. نظام چندنرخ‌ای ارز، تخصیص‌های غیرشفاف و سیاست‌های حمایتی ناهماهنگ، نه‌تنها فضای رقابت را محدودش کرده، بلکه جهت‌گیری سرمایه‌گذاری را نیز از تولید به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق داده است. در چنین فضایی، کارآفرین نه با منطق بازار، بلکه با منطق بقا تصمیم‌گیری می‌کند؛ تصمیم‌هایی که اغلب کوتاه‌مدت و تدافعی هستند.

اما حرکت به سمت واقعی‌سازی نرخ ارز، اگرچه در کوتاه‌مدت فشارهایی را به همراه دارد، می‌تواند زمین بازی را برای کارآفرینان شفاف‌تر کند. حذف رانت‌های ناشی از چندنرخ‌ی بودن، به معنای کاهش مزیت‌های غیرواقعی برای واردات و در مقابل، افزایش امکان رقابت برای تولید داخلی است. این تغییر، به‌ویژه برای کارآفرینانی که بر بهره‌وری، کیفیت و توسعه زنجیره ارزش تمرکز دارند، می‌تواند یک نقطه عطف باشد. با این حال، کارآفرینی در خلأ سیاستی معنا پیدا نمی‌کند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های فعلی، اختلال در زنجیره تأمین است؛ مسئله‌ای که در صنایعی با زنجیره‌های طولانی، مانند نساجی، به‌وضوح قابل مشاهده است. هرگونه تأخیر یا بی‌نظمی در تأمین مواد اولیه، از حلقه‌های ابتدایی تا انتهای تولید را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و هزینه تمام‌شده را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، کارآفرین به‌جای تمرکز بر نوآوری و توسعه بازار، ناچار به مدیریت بحران‌های روزمره می‌شود.

از سوی دیگر، پیچیدگی سامانه‌ها و فرآیندهای اداری، به مانعی جدی برای فعالیت‌های کارآفرینانه تبدیل شده است. زمانی که دریافت مجوز یا تخصیص منابع، وابسته به مسیرهای غیرشفاف یا زمان‌بر باشد، انگیزه برای ورود به فعالیت‌های مولد کاهش می‌یابد. کارآفرینی نیازمند سرعت، پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد است؛ عناصری که در فضای مقرراتی ناکارآمد به‌سختی شکل می‌گیرند.

در این میان، نقش بخش خصوصی سازمان‌یافته اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. کارآفرینی صرفاً به معنای فعالیت فردی نیست، بلکه در قالب شبکه‌ای از بنگاه‌ها، تشک‌ها و انجمن‌ها معنا پیدا می‌کند که می‌توانند در تصمیم‌سازی اقتصادی نقش‌آفرینی کنند. این نهادها قادرند با انتقال تجربه‌های میدانی به سیاست‌گذاران، از بروز خطاهای پرهزینه جلوگیری کنند و مسیر اصلاحات را هموار سازند. یکی از راهکارهای کلیدی برای تقویت کارآفرینی در این دوره گذار، توجه به سمت تقاضا در بازار است. کاهش قدرت خرید خانوارها، به‌طور مستقیم بر فروش بنگاه‌ها اثر گذاشته و جریان نقدینگی را مختل کرده است. در چنین شرایطی، ابزارهایی مانند تأمین مالی زنجیره‌ای و طراحی سازوکارهای اعتباری برای مصرف‌کنندگان می‌تواند به تحریک تقاضا کمک کند. این رویکرد، به‌جای تزریق مستقیم یارانه، با ایجاد گردش مالی در کل زنجیره، پایداری بیشتری برای کسب‌وکارها فراهم می‌کند.

از منظر کارآفرینی، اصلاحات اقتصادی زمانی موفق خواهد بود که به کاهش نااطمینانی و افزایش قابلیت پیش‌بینی منجر شود. کارآفرینان بیش از آنکه به مشوق‌های مقطعی نیاز داشته باشند، به ثبات در سیاست‌گذاری نیاز دارند. تصمیم‌های ناگهانی در حوزه‌هایی مانند مالیات، بیمه یا مقررات بانکی، می‌تواند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را مختل کند و ریسک فعالیت‌های تولیدی را افزایش دهد.

نکته مهم دیگر، نحوه مواجهه با پدیده‌هایی مانند واردات غیررسمی و رویه‌های شبه‌قانونی است. این نوع فعالیت‌ها، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت بخشی از نیاز بازار را تأمین کنند، اما در بلندمدت به تضعیف کارآفرینی داخلی منجر می‌شوند. رقابت نابرابر با کالاهایی که بدون پرداخت هزینه‌های واقعی وارد می‌شوند، انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید را کاهش می‌دهد و ساختار بازار را به سمت فعالیت‌های غیرشفاف سوق می‌دهد.

در نهایت، می‌توان گفت کارآفرینی در ایران امروز در نقطه‌ای حساس قرار دارد. از یک سو، فشارهای ناشی از اصلاحات اقتصادی و کاهش قدرت خرید، چالش‌های جدی ایجاد کرده و از سوی دیگر، همین اصلاحات می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک اقتصاد رقابتی و شفاف باشد. عبور موفق از این مرحله، نیازمند نوعی هم‌افزایی میان دولت و بخش خصوصی است؛ رابط‌های که در آن، دولت به‌عنوان سیاست‌گذار، ثبات و شفافیت را تضمین کند و کارآفرینان نیز با تکیه بر نوآوری و بهره‌وری، مسیر رشد را هموار سازند.

کارآفرینی در چنین فضای، دیگر صرفاً یک فعالیت اقتصادی نیست، بلکه به یک کنش راهبردی تبدیل می‌شود؛ کنشی که می‌تواند در صورت حمایت درست، نه‌تنها به بقای بنگاه‌ها، بلکه به بازسازی ساختار اقتصادی کشور نیز کمک کند.

شهناز صفایی

editor@smtnews.ir

کارآفرین

کسی است که

برای جامعه

خود کارهای

مفید انجام

می‌دهد و

همزمان شغل

ایجاد می‌کند

موضوع

کارآفرینی

تولیدمحور با

رانت‌خواری

ودلالتی به یک

کلاف سردرگم

تبدیل شده

است